



مکتب روحانی مشاورهٔ مسیحی
بیش از رستگاری

**A Theology of
Christian Counseling**
More than Redemption

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.
شاهرخ صفوی

فصل های کتاب

فصل اول:	نیاز مکتب روحانی در مشاوره مسیحی
فصل دوم:	مکتب روحانی و مشاوره
فصل سوم:	اصول کلام خدا - مشاوره و مکاشفه مخصوص
فصل چهارم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اساس محیط انسان
فصل پنجم:	اصول خدا - نام خدا و مشاوره مسیحی
فصل ششم (بخش ۱):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل ششم (بخش ۲):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل هفتم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اصل تثلیث
فصل هشتم (بخش ۱):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل هشتم (بخش ۲):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل نهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و گناه انسان
فصل دهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و عادت
فصل یازدهم:	اصول انسان - چگونه گناه بر افکار تاثیر می گذارد
فصل دوازدهم:	اصول رستگاری - بیش از رستگاری
فصل سیزدهم (بخش ۱):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل سیزدهم (بخش ۲):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل چهاردهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و زندگی نو
فصل پانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و میوه روح القدس
فصل شانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و ریشه کنی
فصل هفدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و استقامت
فصل هجدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و رنج
فصل نوزدهم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و کلیسا
فصل بیستم:	اصول کلیسا - مشاوره ایمانداران جدید
فصل بیست و یکم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و انضباط کلیسا
فصل بیست و دوم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و اعمال رحیم
فصل بیست و سوم:	اصول آینده - مشاوره مرگ و افراد در حال مردن
فصل بیست و چهارم:	اصول آینده - مشاوره مسیحی و قضاوت
فصل بیست و پنجم:	خلاصه مطالب

فصل شانزدهم

اصول پاکسازی (ادامه)

مشاوره و ریشه کنی

ما تا اینجا به مقطعی رسیدیم که پاکسازی نشانه آزاد شدن از خصوصیتی است که با آنها به دنیا آمدیم، و پرورش (جایگزین) جدید خصوصیات خدا. این تغییرات زمانی آغاز شد که حیات نو را دریافت کردیم. کسی که حقیقتاً احیا شده ظاهرش تغییر می کند (رفتار و گفتار تغییر می کند)، چون باطنش در حال تغییر است. کلمه تقدیس شده معنی "سوا شده" یا "جدا شده" دارد. در جنبه منفی، سوا شده (یا جدا شده) از گناه، و در جانب مثبت سوا شده برای خدا. او از دیگران جدا شده، و منحصر بفرد است؛ منحصر بفرد و مخصوص خدا.

ما از نظر خدا جدا شده هستیم؛ کاملاً پاک در مسیح. کل زندگی عادل او به ما نسبت داده شده چون در عیسی ختنه شده، مصلوب شده، به خاک سپرده شده، برخاسته ایم، و در عرصه بهشتی ساکن می باشیم. زندگی بهشتی جای زندگی جهنمی را می گیرد. اما تمام این چیز ها را در زندگی فعلی خود بدست نی آورده ایم. به همین خاطر است که پاکسازی انجام می گیرد؛ تا امکانش را نیز در زندگی فعلی خود داشته باشیم. ما باید آنگونه بشویم که در عیسی هستیم. البته نه با توانائی خود بلکه با شراکت در کار عیسی. این با آنچه قبلاً با حمت خود انجام می دادیم فرق دارد؛ پاکسازی یعنی آنگونه بشویم که هستیم. مزلو **Maslow** تعلیمی زیرکانه "خود کفائی و خود یاری"، را اراعه داده که ممکن است از جهاتی (کوشش و بردباری) شباهتی با راه اصلی خدا داشته باشد. اما وقتی وارد کلیسا می شود و با تعالیم مسیحی آمیخته می شود (التقاط)، روح القدس را محبوس می کند و درب را به روی دشمن باز می کند. حال ببینیم پاکسازی چگونه انجام می گیرد.

افسیان ۴

۲۲: شما آموختید که باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود،
آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبنده دستخوش فساد بود،
از تن به در آورید.

۲۳: باید طرز فکر شما نو شود،

۲۴: و انسان جدید را در بر کنید،

که آفریده شده است تا در پارسائی و قدوسیت حقیقی،
شبیه خدا باشد.

مسیحیان افکار و رفتارشان تغییر می کند و روحیه جدیدی را دریافت می کنند (روحی که به رفتار تبدیل می شود) (۲۳ و ۲۴). از آنجا که من قبلاً راجع به جنبه انسانی این نوع آفرینی صحبت کرده ام (۲۲ و ۲۴)، لازم می دانم قدری راجع به آن "روح" جدیدی که در کار است، صحبت کنم،

کولسیان ۳

۹: به یکدیگر دروغ مگوئید،

زیرا آن انسان قدیم را با کارهایش از تن به در آورده اید

۱۰: و انسان جدید را در بر کرده اید،

که در معرفت حقیقی هر آن نو می شود

تا به صورت آفریننده خویش در آید.

رومیان ۱۲

۱: پس ای برادران،

در پرتو رحمت‌های خدا،

از شما استدعا می کنم

که بدنهای خود را همچون قربانی زنده و مقدس و پسندیده خدا

تقدیم کنید که عبادت معقول شما همین است.

۲: و دیگر همشکل این عصر مشوید،

بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید.

آنگاه قادر به تشخیص اراده خدا خواهید بود؛

اراده نیکو، پسندیده و کامل او.

در افسسیان ۴: ۲۳، دو کلمه کلیدی ”افکار“ (۱) و ”نو“ عنوان شده که مطلب مهمی را مکشوف می سازند؛ روح القدس از طریق افکار نو، ما را نو می سازد. کلمه ”نو“ در رومیان ۱۲: ۲ و کولسیان ۳: ۱۰ ”آناکاینو“ anakainoo معنی ”کیفیت را نو ساختن“ دارد. آن افکار قدیمی و پوسیده گناه کار (”آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبده دستخوش فساد بود“) باید با افکار تازه و نو کتاب مقدسی پر گردد. بله، تلاش از ما است، ولی محصول از خدا است. ”دگرگونی“ که در بدن ایماندار ایجاد می شود (”از تن به در آورید / در بر کنید“)، صرفاً کار روح القدس است و با تغییر افکار، او را در مسیر زندگی (حیات نو) راه می برد.

چون کار روح القدس بر درون انسان است، به منظور تغییر افکار (روحیه خدا)، مشاوران باید بر آنچه کتاب مقدس (آیات) راجع به رفتار و اصول و شیوه زندگی مسیحی گفته تمرکز نمایند (باز کردن آیه هر چند مفید، اما جای خود آیه را نمی گیرد). نقشه اجرای خواست خدا (به هر منظوری) باید بر اساس کلام خدا باشد. متقاضی باید بداند آنچه انجام می دهد بر اساس کدام آیه (یا آیات) از کلام خدا است. باید توجه داشته باشد که روح جدید دارد در او جسم می پوشد.

چون روح القدس از کلامش استفاده می کند، متقاضیان می توانند روی او حساب کنند (در زمان کاملش) که تلاش آنها را در راه ”انجام“ خواست خدا، برکت خواهد داد.

در این فصل می خواهم راجع به قسمت دیگری از جریان پاکسازی (که تا بحال صحبت از آن نکرده ام) یعنی ”از تن به در آورید“، صحبت کنم. اگر مشاوران می خواهند تغییری داعمی در متقاضی هایشان ایجاد کنند باید با آن آشنا بشوند و بکار ببرند. من اسم آن را، ”ریشه کنی“ گذاشته ام.

عیسی مسیح در متی ۵ راجع به موضوع چنین می گوید:

متی ۵

۲۷: شنیده اید که گفته شده ”زنا مکن“،

۲۸: اما من به شما می گویم، هر که با شهوت به زنی بنگرد،

همان دم در دل خود با او زنا کرده است.

۲۹: پس اگر چشم راستت تو را می لغزاند،

آن را به در آر و دور افکن،

زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد

تا آن که تمام بدنت به دوزخ افکنده شود.

۳۰: و اگر دست راستت تو را می لغزاند،

آن را قطع کن و دور افکن،

زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد

تا آن که تمام بدنت به دوزخ افکنده شود.

مقصود نقص عضو نیست. به عبارت دیگر عیسی مسیح می گوید - تا آن اندازه خود را برای گناه (گناه مورد نظر) ناتوان کنیم که امکان دوباره ای برای وقوع آن وجود نداشته باشد. دست رسی به آن شامل چهار مرحله است:

۱. باید قبول کنیم که دوباره به چنین وسوسه ای دچار خواهیم شد. اگر بخشش را یکبار بخاطر گناهی دریافت کرده ایم، دلیل نمی باشد که دوباره آن گناه تکرار نشود. اگر توجه به چنین حقایقی نکنیم، جلوی آنها را نیز نخواهیم گرفت. نتیجتاً، متقاضیان از همان ابتدا باید امکان شکست را در آینده جدی بگیرند.
۲. باید خود را برای شکست وسوسه ها آماده سازیم. غالباً، دلیل آنکه با مسائل مختلفی مواجه می شویم این است، که کاری برای پیشگیری از آنها نکرده ایم. عیسی مسیح تنها برای نجات ما از گناه نیامد، بلکه همچنین برای پیشگیری از آن. می گوید، ”اگر چشم راستت تو را می لغزاند، آن را به در آر و دور افکن“؛ او توجهش بیشتر به آن است که چکار کنیم در آینده دچار آن نشویم. و به این خاطر، صحبت از ریشه کنی می کند (”دور افکن“). کار مشاور زمانی کامل خواهد شد که علاوه بر بازآموزی و اصلاح، بازداری از تکرار موضوع نیز انجام شده باشد. عمل ریشه کنی عنصر اصلی ترک عادت نیز هست.
۳. اگر نمی توانیم جلوی وسوسه را بگیریم (دعای اولیه کاری صورت نداده)، آنوقت باید راهی قطعی تدارک بینیم تا مجدداً دچار آن نگردیم. آیاتی که در متی ۵ مشاهده می کنیم، نه تنها درجه اهمیتی که ترک از گناه دارد را نشان می دهند، بلکه اقدامی قطعی و واقعی برای این کار را ریشه کن سازی نام برده اند. منظور این است که آنچه می بینیم، لمس می کنیم، و احساس می کنیم را بسنجیم و ببینیم، اگر ما را به گناه می کشاند، با اقدامی قطعی و واقعی، آن را ریشه کن کنیم.

۴. ریشه کنی. هر مانعی (برای پیشگیری از گناه) باید در نظر گرفته شود و روی آن کار لازم انجام بگیرد. منظور آیات این است که به حدی اهمیت دارد که لازم باشد عضوی را قطع کنیم. جلوی رفتار ناشایست و نامناسب باید به هر قیمتی گرفته شود. و طریق اجرای چنین کاری، ریشه کنی است.

حال ببینیم معنی همه اینها چیست. معلوم است که نباید دست کم گرفته شود. مرد می تواند با تجسم فکرش با زنی زنا کند، حتی اگر هر دو چشمش را از دست داده باشد. ریشه کنی جوانب مهم خود را دارد. مشخص است که متقاضی باید (به طریقی) تکرار این گناه را برای خود دشوار کن (یا غیر ممکن). باید موانع راه تکرار را برای خود ایجاد کند. ممکن است اشخاص یا اشیاء و رفتاری را لازم باشد از زندگی خود دور کند. در صورت لازم باید برای خود موقعیتی ایجاد کند که ناخودآگاه، متوجه وسوسه و امکان گناه کردن بشود. بطور مثال، اگر تاثیری که گناه داشته را فراموش نکند و به نحوی نظر او به آن جلب شود، متوجه خطر خواهد شد؛ نا بهنگام به جانب گناه رانده خواهد شد. باید طریقی را برای خود فراهم سازد تا به یاد آنچه قبلاً اتفاق افتاد بشود.

منظور این نیست که ایمانداري که مرتکب گناه می شود نجاتش را از دست می دهد. ولی حال که به این جا رسیدیم، بهتر است این قسمت از آیات را نیز در نظر بگیریم، ("زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد تا آن که تمام بدنت به دوزخ افکنده شود"). اینجا هشداري است که اگر گناهانی که خدا آشکار کرده را نادیده بگیرند (اهمیت به گناه ندهند)، دستخوش هر چه بیشتر شیطان خواهند شد ("به دوزخ افکنده شود"). مقصر خدا نیست، گناه کاری است که خواسته یا نخواسته کماکان در دست شیطان باقی مانده است. خدا همیشه پشت در دل ما ایستاده و می گوید:

مکاشفه ۳

۲۰: هان بر در ایستاده می گویم.

کسی اگر صدای مرا بشنود و در به رویم بگشاید،

به درون خواهم آمد

و با او همسفر خواهم شد

و او با من.

متقاضی که تنها گوش به آنچه مشاور می گوید می دهد اما دل به کار لازم نمی دهد، خدا را در دل خود رد می کند. در این صورت لازم است متقاضی را از نو بشارت داد تا به جایی که اهمیت انجام دادن خواست خدا را درک نماید. آنوقت به آنچه کلام راجع به مقاومت و پایداری گفته را می توان پیگیری کرد. اصول بازدارنده گناه را در کلام خدا به وفور و به اشکال مختلف می توان یافت،

اول قرننیا ۱۵

۳۳: فریب مخورید: «معاشر بد، اخلاق خوب را فاسد می سازد».

متقاضیان بسیاری فکر می کنند اهمیت ندادن به گناه عیبی ندارد، چون می گویند "دل من با خدا است". قافل از آنکه هر گناهی تبدیل به گناهان دیگری می شوند و به این شکل است که زندگی

روزانه را سیاه می کنند. تا گناه ”ریشه کن“ نشود، در زندگی پای بر جا خواهد بود و حد عقل مانع رشد ایماندار در خدا می گردد. عیسی مسیح آن را امر فرمود، و هشدار را نیز به آن افزود.

فهرست زیر نویس های فصل شانزدهم

(۱) راجع به ”فکر“ Nous قبلاً در این کتاب بطور مفصل صحبت کرده ام. این کلمه Nous اشاره خاصی به جوانب مختلف ”فکر“، مانند منطق، روشنفکری، و استدلال می کند و همچنین به نحوه استفاده آن در ایجاد عقاید، نقطه نظرها، معتقدات، و روح لازم صحبت می کند. در اینجا، و در رومیان ۱۲، به نظر می رسد قسمت دوم (نتیجه فکر) مطرح می باشد و نه طریق رسیدن به آن. روح القدس در حال کار است، داعماً در حال مبارزه و تغییر افکار ما، تا جوانب مختلف فکری ما (روحیه و اعتقاد)، مطابق افکار عیسی مسیح باشد.